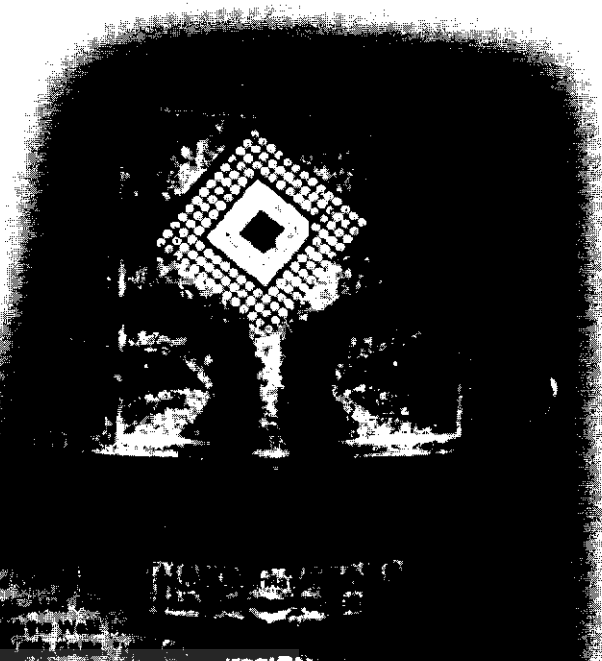


AUSTRALIA Hunter Publications 58a Gipps St. Collingwood Victoria 3068.
 Publications Educational Supplies Pty. Ltd. P.O. Box 33, Brookvale 2196
 NSW Periodicals Distributors Pty. Subscriptions Dept. P.O. Box 33, Brookvale
 2100 NSW Sub-agents United Nations Association of Australia Victorian
 Division 326 Flinders Street Melbourne 3000 AUSTRALIA Buchhandlung
 Gerold and Co. Graben 31, A 1041, Vienna AUSTRIA Unions Scolaire
 International, Arto Regional Office, P.O. Box 726, Bahrain. P.O. Box 64
 University of the West Indies Bookshop, Cave Hill Campus, P.O. Box 64
 Bridgetown, Barbados. Unesco Courier, Dutch edition only Internationale
 Brakelarij en Uitgeverij Keuning, Keuningaan 2, 20, 2100 Beuna-Antwerpen.
 CCP 000-001277-95 French edition and general Unesco publications agent
 Jean de Lanroy, 202 Ave. du Roi 1060 Brussels, CCP 001-0070823-13
 BELGIUM Unesco Courier, Dutch edition only Internationale
 Brakelarij en Uitgeverij Keuning, Keuningaan 2, 20, 2100 Beuna-Antwerpen.
 CCP 000-001277-95 French edition and general Unesco publications agent
 Jean de Lanroy, 202 Ave. du Roi 1060 Brussels, CCP 001-0070823-13
 BRAZIL Publicações Técnicas Internacionais Ltda. Rua da
 Penha Gomide 209-01409, São Paulo SP CANADA Renald Publishing Co.
 Ltd., 1294 Algoma Road, Ottawa, Ontario K1B 3W8 STONER (S1)
 Street, Ottawa 211 Yonge St. Toronto K1G 3H5 SALES OFFICE 7575
 Street, Ottawa 211 Yonge St. Toronto K1G 3H5 CHINA China
 Import and Export Corporation, P.O. Box 370, Beijing
 P.R. CHINA S.N.T.L. Spol. s.r.o. Prague 1, Prague 1, Czechoslovakia



AUSTRALIA Hunter Publications 58a Gipps St. Collingwood Victoria 3068.
 NSW Periodicals Distributors Pty. Subscriptions Dept. P.O. Box 33, Brookvale
 2100 NSW Sub-agents United Nations Association of Australia Victorian
 Division 326 Flinders Street Melbourne 3000 AUSTRALIA Buchhandlung
 Gerold and Co. Graben 31, A 1041, Vienna AUSTRIA Unions Scolaire
 International, Arto Regional Office, P.O. Box 726, Bahrain. P.O. Box 64
 University of the West Indies Bookshop, Cave Hill Campus, P.O. Box 64
 Bridgetown, Barbados. Unesco Courier, Dutch edition only Internationale
 Brakelarij en Uitgeverij Keuning, Keuningaan 2, 20, 2100 Beuna-Antwerpen.
 CCP 000-001277-95 French edition and general Unesco publications agent
 Jean de Lanroy, 202 Ave. du Roi 1060 Brussels, CCP 001-0070823-13
 BELGIUM Unesco Courier, Dutch edition only Internationale
 Brakelarij en Uitgeverij Keuning, Keuningaan 2, 20, 2100 Beuna-Antwerpen.
 CCP 000-001277-95 French edition and general Unesco publications agent
 Jean de Lanroy, 202 Ave. du Roi 1060 Brussels, CCP 001-0070823-13
 BRAZIL Publicações Técnicas Internacionais Ltda. Rua da
 Penha Gomide 209-01409, São Paulo SP CANADA Renald Publishing Co.
 Ltd., 1294 Algoma Road, Ottawa, Ontario K1B 3W8 STONER (S1)
 Street, Ottawa 211 Yonge St. Toronto K1G 3H5 SALES OFFICE 7575
 Street, Ottawa 211 Yonge St. Toronto K1G 3H5 CHINA China
 Import and Export Corporation, P.O. Box 370, Beijing
 P.R. CHINA S.N.T.L. Spol. s.r.o. Prague 1, Prague 1, Czechoslovakia

Canada
 Publica-
 Beijing,
 heckach
 tura, 11
 banovo
 G. Tids-
 (ARAB
 at Harb
 F-00100
 Raut-
 RANCE.
 598-48
 40, 710
 REP. OF
 D-Kuner
 s, P.O.
 CE John
 10073, 541 10
 4 Nikis Street,
 Hippocrates
 15, Lock Rd., Kowloon.

دکتر کریم مجتهدی

معمولاً در کتاب‌های رایج تاریخ فلسفه، خاصه در مورد تحولات فرهنگی در کشور فرانسه، بین سال‌های ۱۷۴۰ تا ۱۷۷۵ میلادی صحبت از گروهی از متفکران به میان می‌آید که هر یک به نحوی نمایانگر جنبه‌ای از گرایش کلی حاکم بر عصری است که «روشنگری» نامیده می‌شود.

آن‌ها گاهی تحت عنوان مشترک «نویسندگان دایرةالمعارف» شناخته می‌شوند، یعنی کسانی که در زمینه‌های مختلف فرهنگی با دیدرو و همکار او، دالامبر برای نوشتن دایرةالمعارف بزرگ فرانسه، تشریح مساعی کرده‌اند. در فرانسه دایرةالمعارف در آن زمان هم مظهر و نماد اصلی روشنگری تلقی می‌شده و هم برنامه هدفمندی که این نویسندگان - با وجود مواضع و سلاقی متفاوت - عملاً برای خود تعیین و مشخص کرده بودند. به طور کلی آنچه آن‌ها می‌خواستند، افزون بر توصیف اصول علم جدید و روش‌های خاصی که بعد از مقبولیت فیزیک نیوتن و تحکیم فلسفه تجربی لاک، بیش از پیش بر ارزش و اعتبار آن‌ها افزوده شده بود، بسط و گسترش همین اعتقاد در همه زمینه‌های معرفتی انسان و تأکید بر جنبه‌های کاربردی علم در فنون و صنایع جدید در جهت تأمین بهبودی و رفاه عمومی بود. در آن زمان، این نظرگاه نه فقط شرط لازم، بلکه شاید به لحاظی در امر تجدد و پیشرفت، شرط کافی نیز محسوب می‌شده است. هدف کلی، قطع رابطه با ذهنیتی بود که به عقیده آن‌ها ریشه در تاریخ اندیشی‌های قرون وسطا داشت و شخص را دچار ظرافت‌کاری‌های بسی حاصل لفظی و صوری می‌کرد که مانع از شناخت واقعی طبیعت و جامعه می‌شد و توانایی غلبه بر مشکلات را از انسان سلب می‌نمود. البته در نزد این نویسندگان، میان دو قطب نهایی افراط و تفریط، می‌توان طیف وسیعی از افکار متفاوت و حتی متعارض را تشخیص داد، ولی به هر طریق، تشابه اهداف اصلی آن‌ها را نمی‌توان انکار نمود. البته در نزد دیدرو و بعضی از دوستان مادی‌مسلک او چون هلباکس و هلوسیوس و لامتری نظر افراطی خاصی درباره طبیعت و انسان وجود دارد که در نزد بقیه به آن شدت دیده نمی‌شود ولی به هر طریق، بنیان‌گذار و کارگردان «دایرةالمعارف فرانسه» را در درجه اول باید دیدرو دانست، اگرچه دالامبر که از او معتدل‌تر است، مقدمه تمهیدی این اثر را نوشته باشد.

تاریخ آغاز نگارش دایرةالمعارف فرانسه تا حدودی مشخص است. در سال ۱۷۴۶، یک کتاب فروش مشهور فرانسوی به اسم لوبرتون به دیدرو پیشنهاد می‌کند که دایرةالمعارف فنون و علوم انگلیسی یعنی اثر جانبرز را که به سال ۱۷۲۸ منتشر شده، به زبان فرانسه ترجمه کند. این

اثر به سبب سخنرانی‌های رامسه، خطیب مشهور فراماسون انگلیس، فراهم آمده بود که همفکران خود را دعوت و تشویق به اتحاد و همکاری می‌نمود و بر لزوم دستیابی به یک فرهنگ مشترک عمومی، مبتنی بر علوم و فنون جدید تأکید فراوان داشت. این موضع فکری عملاً بیش از پیش در دیگر کشورهای اروپایی نیز مورد توجه کسانی قرار داشت که به نحوی به تجدد، گرایش پیدا کرده بودند. هدف اصلی از دایرةالمعارف نویسی جمع‌آوری شناسایی‌های ظاهراً پراکنده، و گزارش دقیق و یک‌دست از آن‌ها به روش علمی بود که می‌بایستی به نسل‌های بعدی انتقال یابد و افزون بر جنبه آموزشی و تعلیماتی به ترویج آن نوع فضیلتی بپردازد که صرفاً مبتنا بر انسان و «انسانیت» و حسن همکاری و اتحاد کل افراد انسانی را تشویق می‌نماید.

دیدرو نظر اصلی پیشنهادی لوبرتون را پسندیده بود، ولی مایل نبود به ترجمه کتاب انگلیسی پیشنهادی او اکتفا کند بلکه بیش‌تر اعتقاد داشت که می‌بایستی چه به لحاظ محتوا و چه به لحاظ روش، به کار وسعت بیش‌تری بخشیده شود و بدین منظور دوست ریاضیدان خود یعنی دالامبر را دعوت به همکاری کرد. آن‌ها همچنین دوستان زیاد دیگری را به دور خود جمع کردند، حتی از ادبا و نویسندگان و افرادی که در زمینه‌های خاصی تبحر کافی داشتند، دعوت به عمل آوردند. آن‌ها افزون بر جمع‌آوری مطالب نظری در مورد فنون و صنایع، مستقیماً به کارگاه‌ها و مراکز صنعتی رجوع می‌کرده‌اند و ارباب فنون و صاحبان صنایع را دقیقاً مورد پرسش قرار می‌داده‌اند و ضمن یادداشت مطالبی که می‌شنیده‌اند، اصطلاحات متداول مورد استفاده متخصصان را نیز ضبط می‌نموده‌اند و در کل این زمینه‌ها با تهیه جداولی، موضوع‌های مختلف را تعریف و پس از مشورت با افراد متخصص دیگر، آن‌ها را اصلاح و تکمیل می‌کرده‌اند. حتی برای شناختن و شناساندن ماشین‌آلات، افرادی را برای ترسیم و طراحی‌های لازم به کارگاه‌ها و مراکز صنعتی می‌فرستاده‌اند تا بتوانند نحوه کار این دستگاه‌ها را با سهولت بیش‌تری به مردم عادی تفهیم نمایند.

فعالیت نویسندگان دایرةالمعارف، حتی قبل از انتشار اولین جلد آن، بحث محافل و مجالسی بود که در پاریس در منازل افراد بانفوذ و یا در «سالن»‌های خانم‌های سرشناس تشکیل می‌شد؛ محافلی که عملاً محل تجمع دانشمندان و فلاسفه و هنرمندانی بود که در تحول فرهنگ آن عصر تأثیرگذار به نظر می‌رسیده‌اند. شرایط پیش‌فروش دایرةالمعارف را که در ابتدا ده جلد اعلام شده بود، معین و مشخص کرده بودند و قیمت کل آن قبل از انتشار ۲۸۰ لیور بود و بعد از انتشار خریداران می‌بایستی

۳۷۲ لیور بپردازند. البته عملاً حتی قبل از انتشار اولین جلد، مشکلاتی نیز وجود داشت و در سال ۱۷۴۹ مقاله دیدرو تحت عنوان «نامه در مورد نابینایان» سخت مورد انتقاد و اعتراض مقامات رسمی قرار گرفته و به بازداشت او در زندان ون سن منجر شده بود و پلیس ضمن گزارش رسمی مبنی بر خطرناک بودن شخص او، فعالیت کسانی را که در دائرةالمعارف نویسی با او همکاری داشتند، تحت نظر گرفته بود. عملاً دائرةالمعارف نویسی در فرانسه، افزون بر جنبه علمی و فرهنگی کاملاً یک جنبه سیاسی هم پیدا کرده بود، به نحوی که بعد از انتشار اولین جلد آن به سال ۱۷۵۱، عکس العمل های شدیدی علیه آن آغاز شد و در درجه اول فرقه یسوعیان که خود را متولی اصلی حیات معنوی و دینی و تعلیمات رسمی فرانسه می دانستند، شدیداً به نحوی به مخالفت برخاستند که در نهایت شورای مشورتی پادشاه فرانسه دستور به ممنوعیت این کتاب داد. البته لازم به گفتن است که در جلد اول خاصه در بعضی از مقالات، افزون بر انتقادهای نظری و نیش های طنزآمیز ضمنی به یسوعیان، جنبه های دیگر الهادی غیرقابل انکار می نمود و به همین دلیل بعضی از فرقه های دیگر مسیحی از جمله یانسنیت ها که مخالف یسوعیان بوده اند، نتوانستند نظر خوبی نسبت به دائرةالمعارف پیدا کنند و موضع افراطی بعضی از منورالفکران آن عصر، به هیچ وجه مورد پسند آن ها واقع نشد.

در سال ۱۷۲۵، مخالفت با دائرةالمعارف شدت بیش تری یافت، به نحوی که در ماه فوریه همان سال، جلد دوم کتاب از قبض پیش فروش حذف شد و حوش این جریان، مشاجرات لفظی و قلمی در محافل مختلف پاریس درگرفت، با این حال، دائرةالمعارف در میان طبقه اشراف و گروهی از درباریان، طرف داران بانفوذی داشت و حتی مارکیز دوپادور، معشوقه لویی پانزدهم، از آن حمایت می کرد و همچنین تا حدودی جنبه کاربردی نوشته ها نظر مثبت مردم را جلب کرده بود. دائرةالمعارف براساس ترتیب حروف الفبایی تا حرف C آماده شده بود، ولی عملاً کار به نحوی بسیار بطئیء ادامه داشت. در این مورد باید از مالزوب رئیس یک کتابفروشی معتبر نام برد که شخص بسیار کاردانی بود و به نحوی موفق شد علی رغم اتهامات و مخالفت های شدید افراد و روزنامه نگارانی چون پولیسو و فرآن که مستقیماً از سراسقف پاریس دستور می گرفتند، پنج جلد جدید از دائرةالمعارف را میان سال های ۱۷۵۳ تا ۱۷۵۷ منتشر سازد. ولی به سال ۱۷۵۸، از نو مشکلاتی پیش آمد و وقفه ای در انجام کار ایجاد شد. مقاله دالامبر تحت عنوان «ژنو» که ولتر از آن حمایت می کرد، سخت مورد اعتراض

قرار گرفته بود، به نحوی که به ناچار دالامبر و روسو و دوکلوو مارمونت بل برکنار شدند.

در سال ۱۷۵۹، مقاله هلوسیسوس درباره «روح» موجب رسوایی جدیدی شد، به نحوی که رسماً از مجلس فرانسه خواسته شد که دائرةالمعارف را محکوم و از ادامه کار ممانعت به عمل آورند. در نتیجه به دستور شورای مشورتی پادشاه و موافقت پاپ، از فروش مجلاتی که منتشر شده بود جلوگیری شد و کتاب فروشی ها را ملزم به استرداد پول قبض های پیش فروش به خریداران کردند. وضع دیگر بدتر از این نمی توانست بشود. با این حال دائرةالمعارف نمود و در سال ۱۷۶۲، با کاسته شدن قدرت فرقه یسوعیان که دشمنان اصلی دیدرو و نویسندگان دائرةالمعارف بودند و با محدود شدن دامنه فعالیت آن ها خاصه در قلمروی تعلیم و تربیت، عملاً امکان انتشار آخرین مجلدات کتاب فراهم آمد و در نهایت به سال ۱۷۶۵ کل آن در اختیار مردم قرار گرفت و جریان دائرةالمعارف و کشمکش هایی که ایجاد کرده بود، به پایان رسید.

چاپ دائرةالمعارف افزون بر این که درآمد بسیار بالایی برای کتابفروشی ها داشته است و در عین حال مصداتی از قدرت اجتماعی و سیاسی صنف آن ها به شمار می آمد، به خوبی تأثیر فرهنگی آن ها را در نیمه دوم قرن هجدهم در کشور فرانسه نمایان می سازد.

از طرف دیگر باید گفت با این که هدف اصلی از دائرةالمعارف نویسی، جمع آوری دانش های مختلف بشری اعم از نظری و عملی به ترتیب حروف الفبایی و

آرمان مشترک متفکران و نویسندگان

دائرةالمعارف قابل انکار نیست، ولی در

بعضی از نوشته ها نیز به وضوح سلاخی

شخصی و وجوه اختلاف میان آن ها

را می توان مشاهده کرد

انتقال فراگیر آن ها به عامه مردم بوده است و باید صرفاً جنبه آموزشی داشته باشد، ولی همان طوری که از حوادث پرفراز و نشیب جریان انتشار آن در مدت حدوداً پانزده سال در کشور فرانسه پیداست، این کار صرفاً جنبه «آکادمیک» نداشته است و از لحاظ محتوای مطالب و روش تحقیق و حتی سبک نگارش، به هیچ وجه از موضع گیری های شدید آن عصر و از تلاطم اجتناب ناپذیر

مسائل سیاسی زمانه برکنار نمانده است.

از آنجا که شناخت در درجه اول براساس نیازها و تمایلات جسمانی به وجود می‌آید به همین دلیل به عقیده دالامبر، اولین کوشش‌های انسان در جهت شناخت در زمینه کشاورزی و طب و فنونی بوده که نیازهای ضروری ابتدایی او را برطرف می‌کرده است

نمی‌تواند بالاستقلال کاربرد داشته باشد.

از طرف دیگر، از آنجا که شناخت در درجه اول براساس نیازها و تمایلات جسمانی به وجود می‌آید، به همین دلیل به عقیده دالامبر، اولین کوشش‌های انسان در جهت شناخت در زمینه کشاورزی و طب و فنونی بوده که نیازهای ضروری ابتدایی او را برطرف می‌کرده است. در ابتدا، شناخت صرفاً انتفاعی بوده و بعدها توجه به جنبه‌های غیرانتفاعی، باز در جهت دسترسی بیش‌تر به امکانات ناشناخته به وجود آمده که در نهایت به تحقق آن چیزی منجر شده که امروزه طبیعیات (فیزیک) می‌نامیم. شناخت اوصاف کلی مشترک ماده نیز به همین ترتیب پیدا شده است و برای سهولت در شناخت اشیا، ذهن به اشکال هندسی متوسل شده و لزوم محاسبه نسبت میان آن‌ها به وجود آمده و کم‌کم قواعدی برای شناخت در نظر گرفته شده است. در هر صورت، جنبه انتزاعی ریاضیات شناخت بهتری از امور واقعی انضمامی را فراهم می‌آورد و با نزدیک‌سازی آن دو می‌توان اوصاف حرکت را بهتر شناخت و به علم مکانیک دست یافت و بعد از رهگذر روش «ریاضی - مکانیکی» به گروهی از علوم طبیعت رسید که در رأس آن‌ها علم هیئت قرار دارد. درست است که دالامبر در تمام این قسمت از نوشته خود اصطلاح «فیلسوف» را مثل اغلب منورالفکران آن عصر، مترادف «دانشمند» به کار می‌برد، ولی در عین حال نظر دارد که در همه این تأملات، بعضی از جنبه‌های بنیادی امور شناخته نمی‌شود و در مورد موجودات، نوعی ابهام باقی می‌ماند و فیلسوف به این جنبه وقوف پیدا می‌کند و بیش‌تر به عظمت خداوند پی می‌برد و بدین نحو به لزوم و مفید بودن دین برای انسان تأکید دارد، خاصه که دین با اصول متداول اخلاقی منافات ندارد، ولی به عقیده او قوانین اصلی را باید براساس قانون طبیعت به دست آورد که

البسته آرمان مشترک متفکران و نویسندگان دائرةالمعارف قابل انکار نیست، ولی در بعضی از نوشته‌ها نیز به وضوح سلیق شخصی و وجوه اختلاف میان آن‌ها را می‌توان مشاهده کرد و طیف افکار آن‌ها که از مواضع مادی‌مسلک افراطی افرادی چون لامتری و هلوئیوس و یا موضع صرفاً طبیعی فردی چون دیدرو شروع می‌شود و تا اعتقادات افراد «دئیست» - که خداشناس هستند، بدون این‌که به شرعیتی مقید باشند - نوسان پیدا می‌کند تا برسد به افکار افراد معتدلی چون دالامبر که بالأخره به سوی بعضی از مواضع بسیار معتدل‌تر، گسترش می‌یابد. در هر صورت، دائرةالمعارف فرانسه اگر به نحوی براساس وحدت نظر نوشته شده، عملاً گاهی امکان رویارویی نسبی افکار متقابل و متعارض را نیز فراهم آورده است. به همین دلیل اگر بخواهیم در مورد روح کلی حاکم بر دائرةالمعارف و عصر روشنگری مطالعات دقیق‌تری بکنیم، باید اعتقادات و مواضع هر یک از آن‌ها را - افزون بر وجوه تشابه کلی آن‌ها - به نحو مجزا و با توجه به اختلاف نظرها، مورد بحث و بررسی قرار دهیم ولی چنین کاری از حوصله نوشته‌ای که بیش‌تر به رابطه عصر روشنگری و دائرةالمعارف نویسی اختصاص دارد، خارج است و در این جا معقول‌تر به نظر می‌رسد که در این زمینه به نحو مستقیم‌تر، ضمن یادآوری بعضی از عناوین مقدمه تمهیدی رسمی دالامبر بر دائرةالمعارف، فکر حاکم بر متن او را به اجمال مورد تحلیل قرار دهیم تا با وفاداری به طرح اولیه خود به جنبه تخصصی نوشته حاضر نیز صدمه‌ای وارد نیآوریم.

دالامبر در مقدمه تمهیدی خود برای دائرةالمعارف، سعی دارد در درجه اول، ترتیب ارتباطی میان علوم و فنون را تشخیص دهد و همچنین به اصول مشترک کلی دست یابد که در مورد آن‌ها بنیادی می‌نماید. مطالبی که او می‌گوید بیش‌تر مبتنی بر نوعی بحث‌المعرفه به سبک جان لاک است، البته بدون این‌که در قسمت اول نوشته خود اسم این فیلسوف انگلیسی یا فلاسفه دیگر را متذکر شود، فقط در قسمت دوم نوشته است که او مستقیماً به این مهم پرداخته و با صراحت، اسامی متفکران مطرح را ذکر و در مورد آن‌ها اظهار نظر کرده است. به عقیده او بشر در مسائل شناختی به مرور از صور ذاتی مورد قبول اهل مدرسه روی برگردانده و متوسل به تصورات فطری شده است و بالأخره در عصر جدید، صرفاً براساس داده‌های عارضی حسی یعنی کیفیات ثانویه به شناخت قوام و دوام داده است، به نحوی که تفکر نیز در ادامه همین فعالیت معنی پیدا می‌کند و بدون داده‌های ادراک حسی،

مقدم بر هر نوع قراردادهای احتمالی بعدی است.

دالامبر به فنون و هنرها اشاره می‌کند و در صدر آن‌ها نقاشی و مجسمه‌سازی را قرار می‌دهد، زیرا که این دو هنر را نزدیک‌تر به اشیاء طبیعی می‌داند. او معماری را نیز به آن‌ها می‌افزاید و عقیده دارد که این رشته، از نیاز انسان به کمال‌خواهی به وجود آمده است. آن‌گاه بعد از توضیح در مورد هنرهای مختلف، تأکید بر این مطلب می‌کند که کل شناسایی از هر نوعی که باشد، یا جنبه عملی دارد یعنی در جهت تولیدات مورد نیاز انسان است و یا جنبه نظری، که البته به عقیده او این دو جنبه را از یک‌دیگر نمی‌توان به سهولت تفکیک کرد و به ناچار در این زمینه ابهاماتی باقی می‌ماند، ولی باز به عقیده او اگر ضابطه اصلی برای تشخیص اعتبار شناخت و جنبه کاربردی آن را بدانیم، باز نمی‌توانیم فراموش بکنیم که گاهی آنچه ظاهراً جنبه کاربردی ندارد - مثل فلسفه - با این حال، از بعضی لحاظ، سودمندی بیش‌تری برای انسان دارد. به عقیده دالامبر برای آماده‌سازی دایرةالمعارف، باید در منشأ مشترک دانش‌ها تأمل کرد، ولی برای تنظیم صحیح شجره‌نامه علوم نمی‌شود به تاریخ فلسفه اکتفا نمود، زیرا نظام کلی علوم و فنون به نحوی به هم پیوسته است که به سهولت نمی‌توان تقدم و تأخر زمانی تحقق هر یک از آن‌ها را تعیین و مشخص نمود. به هر ترتیب، علوم می‌تواند بر اصول مشخص و معینی هستند مثل منطق، در دایرةالمعارف‌نویسی به نحوی اولویت پیدا می‌کنند و با این‌که از لحاظ تاریخی تقدم ندارند و آگاهی‌های ابتدایی ما صرفاً مبتنی بر مفردات محسوس جزئی بوده است، باز برای تعیین ترتیب اصول امور باید از آن‌ها کمک گرفت. نظام‌شناختی ذهنی انسان شامل شاخه‌های متفاوتی است که اکثر آن‌ها در یک نقطه واحد تجمع دارند. در واقع علوم مختلف هم‌زمان رشد کرده‌اند و ضابطه ترتیب تاریخی،

برای تنظیم صحیح شجره‌نامه علوم نمی‌شود به تاریخ فلسفه اکتفا نمود، زیرا نظام کلی علوم و فنون به نحوی به هم پیوسته است که به سهولت نمی‌توان تقدم و تأخر زمانی تحقق هر یک از آن‌ها را تعیین و مشخص نمود

اعتبار چندانی ندارد، بلکه از لحاظ دایرةالمعارف‌نویسی باید به نقاط آغازین مشترک رشته‌های متفاوت و روابط احتمالی آن‌ها توجه کرد و علاوه بر مرزهایی که آن‌ها را از یک‌دیگر جدا می‌کنند، روابط پنهانی احتمالی آن‌ها را نیز مورد نظر قرار داد. در هر صورت، شجره‌نامه علوم و فنون تا حدود زیادی هم وابسته و منوط به نظرگاهی است که بدین منظور انتخاب و اتخاذ می‌شود.

در هر صورت، به عقیده دالامبر ضوابط لازم برای طبقه‌بندی علوم می‌توانند بسیار متفاوت باشند. او بدون این‌که در این قسمت اشاره‌ای به نام فرانسس بیکن بکند، نحوه طبقه‌بندی خود را از او اقتباس کرده و براساس حافظه و عقل و تخیل که سه قوه اصلی نفسانی تلقی کرده، دسته‌های مختلف علوم را از هم متمایز ساخته است. یکی از گفته‌های خاص او در این زمینه، این است که عقل بیش‌تر نزدیک حافظه است و چون تخیل فراتر از واقعیت می‌رود باید بعد از حافظه، به عقل توجه شود. بر این اساس - به عقیده او - باید دانست که حتی ابداع و خلاقیت صرف، تابع اصول و قواعد خاصی است و بحث در آن‌ها به فلسفه هنر تعلق دارد.

البته از سوی دیگر، برای دالامبر روشن نیست که چرا آن مؤلف مشهور (منظور فرانسس بیکن است) که در این گفتار تمهیدی، راهمای فکری او بوده است، بحث در مورد طبیعت را قبل از بررسی آنچه مربوط به انسان است قرار داده، در صورتی که اصولاً انسان باید اصل قرار بگیرد. به نظر می‌رسد که مطابق نظرگاه منورالفکران قرن هیجدهم، دالامبر نیز ترجیح می‌دهد امور را بر اساس محوریت انسان بررسی کند و حتی با این‌که در این مورد، فرانسس بیکن را مورد انتقاد قرار می‌دهد، ولی انتخاب ضوابط قوای نفسانی انسان از این متفکر انگلیسی، احتمالاً همراه با وفاداری به این هدف بوده است.

دالامبر به هستی‌شناسی نیز توجه خاصی دارد. به عقیده او، با این‌که عقل در تمام موارد، قابل‌گسترش و تعمیم نیست، ولی به نحوی کلام مبتنی بر وحی در اثر افزودن وحی بر عقل به وجود می‌آید که بر این اساس، شناخت گسترده‌تر و شاید کامل‌تری نسبت به خداوند می‌توان به دست آورد.

در پایان قسمت اول، دالامبر تصور می‌کند که به مانند طبقه‌بندی علوم، با توجه به سه قوه حافظه و عقل و تخیل می‌توان در ادبیات و مسائل ذوقی نیز به تقسیمات سه‌گانه موجهی دست یافت و ادبا و نویسندگان را براساس اولویت و قوت و شدت یکی از قوای اصلی نفسانی به گروه‌های مختلف تقسیم کرد. در نهایت به عقیده او مسلماً حافظه است که ماده اولیه تمام شناخت را در نزد ما فراهم می‌آورد و به همین دلیل عملاً متبحران هستند که ماده

دالامبر در ابتدای قسمت دوم مقدمه

تمهیدی خود اشاره به این مطلب می‌کند که در مدت نسبتاً طولانی به سبب عدم فضای باز و آزاد اجتماعی، چه به لحاظ نظری و چه از لحاظ عملی، موانع زیادی در پیشرفت فکر و علم پیدا شده است

تفکر و شعر را مهیا می‌سازند و بدون جهت نبوده است که قدما، الهه‌ها یعنی «موزها» را دختران حافظه می‌دانسته‌اند و معاقدی برای نشان دادن اهمیت حافظه احداث می‌کرده‌اند.

دالامبر در ابتدای قسمت دوم مقدمه تمهیدی خود اشاره به این مطلب می‌کند که در مدت نسبتاً طولانی به سبب عدم فضای باز و آزاد اجتماعی، چه به لحاظ نظری و چه از لحاظ عملی، موانع زیادی در پیشرفت فکر و علم پیدا شده است، او حتی در این زمینه به اختصار از لحاظ تاریخی به اختناق در دوره قبل از تجدید حیات فرهنگی غرب یعنی «رنسانس» اشاره می‌کند. به عقیده او با رواج صنعت چاپ، اروپاییان به آثار قدما بیش از پیش توجه کردند و بدون تقلید کورکورانه از آن‌ها کم‌کم دست به ابتکارات زیادی در ادبیات زدند، به نحوی که از این رهگذر راهی برای نویسندگان بزرگ بعدی گشوده شده است. او در این قسمت همچنین از شکوفایی هنرهای چون نقاشی و موسیقی نیز صحبت کرده است.

در ادامه بحث‌های خود، دالامبر بیش‌تر به کاربرد عقل اشاره دارد و توضیح می‌دهد، از آن‌جا که عقل ریشه آسمانی دارد، در نتیجه استفاده درست از آن در فلسفه موجب خواهد شد که از این ناحیه به ایمان و فهم احکام الهی صدمه‌ای وارد نیاید. به عقیده او افرادی که با فلسفه مخالفت می‌کنند، می‌خواهند اعتقادات دینی مردم را در سطح پایین نگه دارند.

در نهایت دالامبر در این قسمت با صراحت، به نام فرانسویس بیکن اشاره می‌کند و او را در صدر متفکران روشنگر قرار می‌دهد و با تحسین زیاد از کتاب‌های این متفکر چون «در شأن و فزونی دانش‌های انسانی» و همچنین از «ارغنون جدید» نام می‌برد. به عقیده او فلسفه در نزد این متفکر وسیله‌ای برای تحقق سعادت انسان بوده و بیش‌تر محدود به علوم مفید کاربردی می‌شده است. دالامبر همچنین به اسم دکارت اشاره می‌کند و به عقیده او تفکر این فیلسوف در جهت تأمین استقلال عقل انسان

است. با این‌که نظریه گردبادی او امروزه مردود و بی‌اساس تلقی می‌شود، ولی به هر ترتیب روش او در نوع خود بسیار درخشان می‌باشد. بعد، به اسم نیوتن انگلیسی اشاره می‌کند که در اثر دقت در آثار هوگنس توانسته به نظریه جدیدی در طبیعت دست یابد. نیوتن موفق شده حساب نامتناهی و روش‌های ملازم آن را ابداع نماید و در عالم طبیعت هر چیزی را به لحاظ ابعاد نامتناهی قابل تبیین بداند. دالامبر همچنین اعتقاد دارد که در زمینه‌ای که نیوتن کاری انجام نداده، جان لاک به نحو احسن به مطالعات و نتایج دقیقی دست یافته است، به نحوی که اگر بگوییم نیوتن خالق «فیزیک» به معنای جدید کلمه است، لاک نیز خالق «مابعدالطبیعه» به معنای جدید کلمه می‌باشد. لاک مابعدالطبیعه را به صورت یک علم فیزیک تجربی «نفس» درآورده است. او از هاروی و پاسکال و مالبرانش و بایل و چند نفر دیگر نیز نام می‌برد و در انتها اسم لایب‌نیتس را می‌آورد و اعتقاد دارد که او از نیوتن و لاک حکمت کم‌تری داشته است، خاصه از این لحاظ که اکتفا به شکاکیت نکرده و خواسته براساس اصل «جهت کافی» جواب‌هایی برای بعضی از مسائل پیدا کند که به سهولت نمی‌توان آن‌ها را مقبول خواند و از نظریه «هماهنگی پیشینه بنیاد» نیز عملاً نمی‌توان نتایج قانع‌کننده‌ای به دست آورد و نگاه خوش‌بینانه افراطی او به جهانی که او تصور می‌کند، در آستانه تحقق آن قرار دارد؛ نه فقط بسیار دور از واقع‌بینی می‌نماید، بلکه در مواردی ساده‌لوحانه و به نحوی مصادره به مطلوب به نظر می‌رسد. با این حال به عقیده دالامبر، لایب‌نیتس این هوشیاری را به ما داده است که در مورد «ماده» دیگر نتوانیم به یک تصور مشخص واحد اکتفا بکنیم و در هر صورت از خیلی لحاظ دامنه وسعت معلومات لایب‌نیتس نیز غیرقابل انکار است. از جمله هم‌عصرانی که دالامبر نام برده، آبه کوندیاک است که او را یکی از بهترین فلاسفه فرانسوی آن عصر معرفی کرده است.

در عین حال، در مطالبی که دالامبر در مقدمه تمهیدی خود آورده است، نوعی پراکنده‌گویی دیده می‌شود و گاهی به نظر می‌رسد که او بعضی از مطالب را خلط می‌کند و قلمروی علم و فن و هنر و ادبیات و اخلاق و دین را - یا به عمد به سبب بعضی ملاحظات و یا به سبب عدم موشکافی لازم - با صراحت مشخص و بیان نمی‌نماید، ولی در هر صورت، او به اهداف اصلی عصر روشنگری و منورالفکری به معنایی که در آن قرن رایج بوده است، وفادار می‌ماند. با این حال، موضع دالامبر در مقدمه تمهیدی خود تا حدود زیادی معتدل و دور از افراط‌گویی‌های بعضی از نویسندگان آن عصر است و به

نظر می‌رسد که او بیش‌تر به جمع‌آوری و تنظیم مطالبی پرداخته که قبل از او به انحای مختلف، بیان می‌شده است. خط و مشی او در این نوشته بیش‌تر التقاطی است و گویی در درجه اول برای جلب نظر دیگران در جهت رسیدن به نوعی توافق نسبی است که دست به قلم برده تا از این رهگذر بتواند امکان مشارکت و همکاری همگان را برای بسط و گسترش اطلاعات و معلومات عمومی و فزاینده فراهم آورد. به این لحاظ مقدمه تمهیدی دالامبر در جهت رفع سوءتفاهم‌های احتمالی و گشایش هرچه بیش‌تر مدخل‌های لازم برای بحث در زمینه‌های متفاوت در دائره‌المعارفی بوده که کل نویسندگان آن برای آن قائل به رسالت تاریخی بودند و تصور می‌کردند با کار و کوشش مستمر خود، مرحله‌ای از پیشرفت و تعالی بشریت را به نحو واقعی تحقق می‌بخشند و اسباب تجدد را از هر لحاظ فراهم می‌آورند.

در سراسر مقدمه تمهیدی، دالامبر مثل اکثر متفکران شناخته‌شده عصر روشنگری، تفوق فکر انگلیسی بر افکار متفکران دیگر کشورها به خوبی دیده می‌شود. اگر در قسمت اول نوشته او این موضوع به نحو ضمنی بیان شده، در عوض در قسمت دوم با صراحت تمام به اسامی دو چهره شاخص یعنی فرانسویس بیکن و جان لاک اشاره شده که البته افزون بر آن دو، همچنین نظر اصلی دالامبر در درجه اول به اسحاق نیوتن و کشفیات اوست. میانی ذهنی اکثر منورالفکران قرن هیجدهم - خاصه در کشور فرانسه - براساس همین سنت جدید فکری و علمی و بیش‌تر با توجه به همین سه نفر، بنیان گرفته است. دالامبر به صراحت می‌نویسد که جان لاک «مابعدالطبیعه» را متحول ساخته و به معنای بسیار بکر و نوظهوری از آن رسیده است. در واقع منظور او این است که این رشته، از ادعاهای قبلی خود دست برداشته و تبدیل به نوعی بحث‌المعرفه کاربردی شده است و فقط براساس تحقیقات در فاهمه انسان و کشف منشأ و نحوه تشکیل شناخت است که می‌توان افکار و اعتقادات انسان را مشخص و اعتبار آن‌ها را ارزیابی کرد.

با این حال آنچه دالامبر درباره این متفکران می‌گوید، از یک گزارش اولیه ابتدایی تجاوز نمی‌کند و او نه فقط لازم نمی‌داند در چون و چندان افکار این اشخاص به بررسی پردازد، بلکه به نحوی نتایج گفته‌های آن‌ها را مسلم و محرز و در هر صورت در آن عصر، غیرقابل انکار می‌داند. از طرف دیگر آنچه دالامبر در متن خود در مورد فلسفه و روش دکارت می‌گوید، از لحاظ فهمیدن سرنوشت فکر دکارتی در عصر روشنگری اهمیت خاص دارد. دالامبر ریاضیدان است و کاملاً به جنبه اصیل و مؤثر تفکر دکارتی وقوف دارد، ولی او نیز مثل اغلب

منورالفکران معاصر خود - که از این لحاظ، در صدر آن‌ها دیدرو قرار می‌گیرد - استفاده‌ای که دکارت از لحاظ مابعدالطبیعی یعنی در مورد آنچه مربوط به ریشه درخت دانش می‌شود، از ریاضیات کرده، به هیچ‌وجه پذیرفتنی نمی‌داند. دکارت براساس «فکر می‌کنم» از تمام مراتب و مراحل شک پیروز درمی‌آید و با قبول رحمت و کمال مطلق خداوند و براساس دو جوهر نفس و جسم، یعنی «فکر» و «امتداد» در مورد کل امور انفسی و آفاقی به حقایق کاملی می‌رسد و کاربرد معقول آن‌ها را از یک طرف با سلب هر نوع گزارف از اراده در جهت مهار انفعالات نفسانی، به کار می‌برد و از طرف دیگر، با توسل به روش هندسی و مکانیکی در جهت تسخیر عالم مادی نتایج مؤثری به دست می‌آورد. دالامبر اهداف دکارت را می‌پسندد، ولی در واقع کاربرد مابعدالطبیعی ریاضیات را قبول ندارد و موضع خود را بیش از پیش نزدیک به افکار تجربی مسلکان انگلیسی می‌کند و عملاً روشنگری را فصلی از تحقق عینی افکار آن‌ها تلقی می‌نماید.

نظر دالامبر در مورد لایب‌نیتس نیز در واقع در جهت تأیید موضع خاص خود اوست که چون بیش‌تر به تجربه یعنی به مشاهده و آزمایش نظر دارد، نه به تعقل و اصول آن، فقط قسمت‌هایی از اعتقادات لایب‌نیتس را می‌پذیرد که با علوم جدید مطابقت دارند و به اهمیت اصل «جهت کافی» و «هماهنگی پیشینه بنیاد» و خاصه به کاربرد آن‌ها در برقراری نظام کلی فلسفه لایب‌نیتس، توجه ندارد و مثل جان لاک تصور می‌کند که «هیچ چیز در فاهمه نیست که قبلاً در حس نبوده باشد»، نه این‌که مثل لایب‌نیتس در جواب بگوید «مگر خود فاهمه». کلاً دالامبر فلسفه را صرفاً در جهت تأیید علم جدید قبول دارد، نه این‌که به احاطه کلی فکر در تجربیات جزئی متکی باشد. با این حال آنچه از قول لایب‌نیتس در مورد «ماده» می‌گوید، بسیار عمیق و قابل تأمل است و «ماده» را نمی‌توان براساس یک تعریف ابتدایی مشخص کرد. «مونا» لایب‌نیتس اوصاف بسیار زیادی در بردارد، ولی هیچ یک از آن‌ها تعبیر به «امتداد» به معنای دکارتی و یا صرفاً متصف به «ماده» به معنای عامی و سطحی کلمه نمی‌شود. با این حال معلوم نیست دالامبر چگونه به این جنبه از تفکر لایب‌نیتس توجه دارد و بر آن ارجح می‌نهد، در صورتی که در واقع از لحاظ فنی، مشکل به نظر می‌رسد که بتوان در این مورد با لایب‌نیتس هم عقیده بود، بدون این‌که به اصل «جهت کافی» و یا «هماهنگی پیشینه بنیاد» کوچک‌ترین ارزشی قائل شد.

به هر ترتیب، دالامبر در کل مقدمه تمهیدی خود، بیش‌تر یک دوست‌دار علم جدید می‌نماید که خواهان پیشرفت و ترقی انسان به معنای رایج قرن هیجدهم

(روشننگری) است، نه این‌که صرفاً «حب حکمت» را به معنای قدیم کلمه بر هر نوع کاربرد و بهره‌برداری علمی ترجیح دهد. البته در اواخر قرن هیجدهم متفکران دیگری را می‌توان مثال آورد که با توجه کامل به فیزیک نیوتن و دارا بودن اهداف کلی مطابق با اصول روشننگری، باز از لحاظ فلسفی بسیار عمیق‌تر از افرادی چون دالامبر و امثال او می‌باشند. در این زمینه در درجه اول باید از امانوئل کانت نام برد و از فلسفه نقادی و خاصه از روش استعلایی او صحبت به میان آورد. با این‌که از منورالفکران فرانسوی تا رسیدن به فیلسوفی چون کانت، باید از لحاظ فکری راه بسیار طولانی پیمود تا کسانی که گاهی به نحو ناموجه خود را فیلسوف می‌نامیده‌اند، بتوانند با تحمل بار سنگین تأملات و تفکرات بسیار عمیق‌تر از تأیید ساده‌لوحانه علم به معنای روزمره کلمه، دست بردارند و از نظرگاه وسیع و به مراتب عمیق‌تر و به نحو استعلایی در مورد علم و علوم اظهار نظر نمایند. در بطن عصر روشننگری، اگر از لحاظ زمانی فاصله اندکی میان دالامبر و کانت بوده است، در عوض از لحاظ نفس تفکر فلسفی - با وجود اهداف تا حدودی مشابه - فاصله آن دو از هم بسیار زیاد است. منظور آن فاصله‌ای است که گاهی به نحو غیرکمی میان سطح و عمق برقرار می‌شود و خواه‌ناخواه میان آن‌ها نوعی تباین ذاتی به وجود می‌آورد که در هر صورت تام و انکارناپذیر است.

فهرست منابع به زبان فرانسه

1. Brhier (E) = Histoire de la philosophie Tome II= Philosophie Moderne Paris P. U. F. 1968.
- Moires de L'Europe Tome III= L'Europe Classique 1600/1763. 2. Laffont (R) = les m res 1715/1763. Paris 1971. Europe des lumi
- Didrot (D) (1713-1784)
- دالامبر (J. d') (1717-1783)
- هلیاکس (P. H) (1723 - 1789)
- هلوسیوس (C) (1715 - 1771)
- لامتری (1751 - 1709) La Mettrie
- لوبرتون Le Breton
- چانبرز Chambers
- رامسه Ramsay
- Free Maqon - انجمن فراماسونی به معنای «بناهای آزاد» در اوایل قرن هیجدهم با تشکیل اولین لژها در انگلستان شروع به فعالیت کرد که البته بر اساس الگوی سنتی انجمن‌های اخوت بناها و سنگ‌تراشان در فرون گذشته شکل یافته بود. کم‌کم این انجمن‌ها به صورت مجامع و حوزة‌های فکری درآمدند و ادعای آن‌ها فراهم‌سازی اسباب سعادت مردمان، خاصه طبقه نوپای «بورژوازی» بود که در کل اروپا در آن

عصر اهمیت زیادی پیدا کرده و زمام امور را کم‌کم به دست می‌گرفت. بعد از پایان بعضی از اغتشاشات داخلی و میان‌گروهی، در سال ۱۷۱۶ بعضی از لژهای لندن تشخیص دادند که بهتر است کل آن‌ها تحت مدیریت یک استاد بزرگ واحد درآیند و به کارهای خود هماهنگی بیش‌تری بدهند تا بالاخره به سال ۱۷۱۷ اولین لژ بزرگ لندن بنیان‌گذاری شد و به دنبال آن به سال ۱۷۲۱ اولین لژ رسمی فرانسه نیز شروع به کار کرد.

Lettre sur les aveugles L'usage de ceux qui voient.

عنوان اصلی نوشته چنین است: «نامه در مورد نابینایان؛ برای مصرف آن‌هایی که بینا هستند.»

- ون سن Vincennes .
- سنسیت‌ها Jansenistes .
- دوپمادور (1764-1721) Pompadour .
- مالزرب (1794-1721) Malesherbes .
- پولسیو Polissot .
- دوکلو (1772-1704) Duclos (Ch. P.) .
- مارمنتل (1799-1723) Marmontel (J. F.) .
- روح Esprit .
- دنیست Deiste .
- بحث المعرفة Epistemologie .
- Nicolas de cuse (1401-1462) این ابهام وجود دارد که در این مورد دالامبر بی‌توجه به افکار نیکلادوکوزه نیست.

Obscurit Sublime

در قسمت دوم اسم فیلسوف انگلیسی و همچنین اسامی بعضی دیگر که در قسمت اول آورده نشده، ضریحاً مشخص شده است.

بیکن

- هوگنس (1695-1629) Huygens (ch.) .
 - با این‌که از لحاظی عجیب می‌نماید ولی Metaphisique دالامبر همین اصطلاح را به کار برده است.
 - کوندیلاک (1780-1714) Condillac (E. De) .
 - فکر می‌کنم Cogito .
 - موناد Monade .
- لازم به گفتن است که متن فرانسه مقدمه تمهیدی دالامبر، مورد استفاده نگارنده را همکار محترم آقای ناصر زعفرانچی از اینترنت در آورده‌اند که جمعاً ۴۴ صفحه بزرگ است - در این جا از ایشان صمیمانه تشکر می‌کنیم. فرانسه

